

Realistic Utopia in the Novel Madar-e Sefr Darajeh

Elyas Ghaderi*

Mohammad Ahi**

Abstract

A realistic utopia is a utopia in which cognition has an empirical basis. In this utopia, unlike its other two types, i.e. divine and philosophical utopia, mankind, relying on empirical science and objective observation, wants a realistic utopia rather than an idealistic one. This type of realistic thought is the result of human failure to achieve two types of divine and philosophical utopia, which can be seen abundantly in recent decades and in contemporary literature. Ahmad Mahmoud is one of the authors who is looking for a way to achieve such a utopia throughout his works, especially in Madar-e Sefr Darajeh. In this study, an effort has been made to analyze and examine this type of utopia and its characteristics in Madar-e Sefr Darajeh with the descriptive-analytical method in order to determine what the most important characteristics of Mahmoud's realistic utopia are. Finally, it is concluded that the characteristics of Mahmoud's realistic utopia include various areas that can be divided and described under five general categories: 1. social, 2. economic, 3. security, 4. political, 5. cultural. It can also be concluded that Mahmoud's utopia is not an imaginary and illusory world, but mankind may achieve such a realistic utopia by applying empirical science and its sovereignty.

Keywords: Realistic Utopia; Madar-e Sefr Darajeh; Ahmad Mahmoud.

* Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Bu Ali Sina University, Iran, elyasghadery@yahoo.com

** Assistant Professor of Persian Language and Literature, Bu-Ali Sina University, Hamedan. Iran (Corresponding Author), ahi200940@yahoo.com

Date received: 2022/08/01, Date of acceptance: 2022/11/14



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

آرمان شهر رئالیستی در رمان مدار صفردرجه

الیاس قادری*

محمد آهی**

چکیده

آرمان شهر رئالیستی آرمان شهری است که در آن مبنای شناخت تجربی است. در این آرمان شهر، برخلاف آرمان شهر الهی و فلسفی، بشر با تکیه بر علم تجربی و مشاهده عینی خواهان آرمان شهر واقع گرایانه است تا آرمان خواهانه. این نوع اندیشه واقع گرایانه، که در دهه های اخیر و در ادبیات معاصر به وفور دیده می شود، حاصل شکست بشر از دست یابی به دو نوع آرمان شهر الهی و فلسفی است. احمد محمود یکی از نویسندگانی است که در آثارش، به ویژه در *مدار صفردرجه*، به دنبال راهی برای دست یابی به چنین آرمان شهری است. در این پژوهش، سعی شده است این نوع آرمان شهر و ویژگی های آن در رمان *مدار صفردرجه* با روش توصیفی - تحلیلی تحلیل و بررسی شود تا مشخص گردد که ویژگی های مهم آرمان شهر رئالیستی محمود چیست. نتیجه بررسی ها نشان داد که ویژگی های آرمان شهر رئالیستی محمود حوزه های گوناگونی دارد که می توان آن ها را در پنج عنوان کلی تقسیم بندی و تشریح کرد: ۱. اجتماعی، ۲. اقتصادی، ۳. امنیتی، ۴. سیاسی، ۵. فرهنگی. هم چنین، آرمان شهر محمود دنیایی وهمی و تخیلی نیست، بلکه بشر می تواند با به کارگیری علم تجربی و حاکمیت آن، به چنین آرمان شهر رئالیستی دست یابد.

کلیدواژه ها: آرمان شهر رئالیستی، مدار صفردرجه، احمد محمود.

* دانشجوی دکترا زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، ایران،
elyasghadery@yahoo.com

** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا همدان،
همدان، ایران (نویسنده مسئول)، ahi200940@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۵/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۸/۱۴



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

۱. مقدمه

آرمان‌شهر یک مقوله کهن‌الگویی در ناخودآگاه جمعی است. به همین سبب، انسان همواره در اندیشه یافتن دنیای آرمانی است و این تصور و تخیل به شکل‌های متفاوتی در زندگی او منعکس شده است. از حیث تحلیل محتوا، ادبیات آرمان‌شهری نتیجه اشاره مستقیم و غیرمستقیم مطلوب‌گرایی نویسنده در نوشته‌اش است. «آرمان‌شهر محصول تفکر انسان ناخرسند از وضعیت روزگار و درواقع تجلی آرزوی نویسنده است» (مطلبی و نادری ۱۳۸۸: ۱۳۰). همین تغییرات روزانه بشر و نارضایتی از زمان حال موجب تلاش برای دست‌یافتن به جامعه آرمان‌شهر است. یکی از آرزوهای بشر دست‌یافتن به جامعه‌ای است که در آن رستگاری خویش را محقق سازد. «اگر شاعر [و به‌طبع نویسنده، یا هر فرد دیگری] از وضع موجود ناراضی باشد، ناخودآگاه در جست‌وجوی آرمان‌شهر خویش سوق داده می‌شود» (نعمتی ۱۳۹۱: ۱۵۲؛ حیدری و زارع ۱۳۹۲: ۷۱؛ کریمی مطهر و رضایی ۱۳۹۳: ۱۰۴).

با ظهور عصر نوزایی، انگاره آرمان‌شهرها رفته‌رفته حول محور انسان‌گرایی پدید آمد و از دنیای آرمانی به‌شیوه عصر مینوی (بنگرید به الیاده ۱۳۸۲: ۵۹) فاصله گرفت. این موضوع نیازمند نگاهی واقع‌گرا به آرمان‌شهرها بوده است. یکی از انواع آرمان‌شهرها که «آرمان‌شهر رئالیستی» خوانده می‌شود و موردنظر نگارندگان در این پژوهش است، درواقع عصیان و اعتراض انسان امروز به وضع موجود است. هرچند در نگاه اول ایده آرمان‌شهر واقع‌گرایانه با کنارهم قرارگرفتن دو مفهوم به‌ظاهر ناسازگار متناقض به‌نظر می‌رسد، به‌عقیده جان رالز (John Rawls) باتوجه به تنوع آرمان‌شهرها، به‌عنوان نوعی مدرن، در پناه حاکمیت دادگستر محقق است. او ایده آرمان‌شهر واقع‌گرایانه را در چهارچوب جهانی بیان کرد و معتقد است مفهوم ذاتی این اصطلاح یک تعهد است (Anthony 2017: 21). از ابتدا، در ادبیات فارسی نگاه نویسندگان و شاعران به‌صورت ضمنی و تصریحی به مبحث آرمان‌شهر این بوده است: «این اندیشه را می‌توان حاصل پشتوانه فکری و خاستگاه اندیشه‌ای اساطیر، کهن‌الگوها، تاریخ ایران باستان، فلسفه یونان، مدینه فاضله فارابی، و اندیشه مهدویت دانست» (صادقی و دیگران ۱۳۹۳: ۱۹۴). از آن‌جاکه سرشت انسان به‌گونه‌ای آرمان‌خواه و کمال‌جوست، تجلی این آرمان‌خواهی در آثار او نمایان است. بنابراین، «ویژگی‌های آرمان‌شهر را کم‌وبیش در همه شاه‌کارهای ادبی می‌توان مشاهده کرد» (کریمی و طاهری ۱۳۹۷: ۵۱۵). در این میان، «ادبیات داستانی که روایت زندگی آدمی در ساختار درهم‌تنیده نهادهای اجتماعی و شئون تمدن است، بالذات نمی‌تواند فارغ از عهد و آرمان باشد»

(زرشناس ۱۳۸۸: ۳۵۰). احمد محمود، نویسنده توانای معاصر، همواره در آثارش دغدغه انسان و جامعه را دارد و در پی دستیابی به آرمان‌شهر ویژه خود است. ابزار اصلی و نبوغ نویسنده رئالیسم، هم‌چون محمود، در تجربه، مشاهده، و دیدن است و مشاهده یکی از ابزارهایی است که واقع‌گرایی بر آن استوار است، از این رو این پژوهش با نگاه بر این رویکرد انجام شده است. علاوه بر آن، بسیاری از داستان‌های محمود و حوادث پی‌ریزی شده در آن‌ها ناشی از تجربه زندگی شخصی او و عینی است. «او فقر، جنگ، زندان، تبعید، تبعیض، شکنجه، ظلم، فساد، استبداد، استعمار، استثمار، و بسیاری از گرفتاری‌های داستان‌هایش را خود تجربه کرده است» (گلستان ۱۳۸۳: ۷؛ قاسم‌زاده ۱۳۸۳: ۲۴۱). از این رو، مقاله حاضر به دنبال پاسخ این پرسش است که آرمان‌شهر رئالیستی احمد محمود در رمان *مدار صفردرجه* چه ویژگی‌هایی دارد؟

در حوزه نگرش آرمان‌شهری پژوهش‌های متنوعی انجام شده است، اما پژوهش حاضر از این جهت مهم است که در آن برای اولین بار به ادبیات داستانی معاصر از زاویه آرمان‌شهر رئالیستی توجه شده که نگاهی کاملاً تازه به یک موضوع است.

۱.۱ پیشینه پژوهش

احمد محمود در ردیف نویسندگان تراز اول ادبیات معاصر است. به همین سبب، پژوهش‌گران علاقه‌مند راجع به او و آثارش تحقیقات زیادی انجام داده‌اند که در این بخش به مواردی از آن‌ها اشاره می‌شود. این پژوهش شامل دو مقوله تحقیقی آرمان‌شهر و رمان *مدار صفردرجه* است. از آن‌جا که تاکنون درباره مؤلفه نخست پژوهش‌های زیادی، به‌تنهایی یا مرتبط با آثار دیگر، انجام شده است، به معرفی آن‌ها پرداخته نشده و فقط به پژوهش‌هایی که درباره رمان *مدار صفردرجه* است، پرداخته شده است.

پویان (۱۳۸۹)، در پژوهشی با عنوان «بررسی جایگاه زنان در داستان‌های کوتاه احمد محمود»، به بررسی جایگاه زنان در داستان‌های کوتاه محمود پرداخت و به این نتیجه رسید که زنان در این داستان‌ها شخصیت‌هایی ایستا هستند. مشتری (۱۳۹۰)، در رساله‌ای با عنوان *بررسی و تحلیل عنصر شخصیت در رمان مدار صفردرجه احمد محمود*، به عنصر شخصیت در رمان *مدار صفردرجه* از جنبه‌های لحن، گفت‌وگو، زاویه دید، و تحول شخصیت‌ها پرداخت. حدادی و دیگران (۱۳۹۱)، در مقاله‌ای با عنوان «کردار گفتمانی و اجتماعی در رمان *مدار صفردرجه* برپایه الگوی تحلیل گفتمان فرکلاف»، رمان *مدار*

صفردرجه را براساس سه سطح توصیف، تفسیر، و تبیین الگوی تحلیل گفتمان فرکلاف (Fairclough) بررسی کردند. رحیمی (۱۳۹۲) در رساله‌ای، با عنوان *نقد جامعه‌شناختی رمان ملار صفردرجه*، به تحلیل اجتماعی رمان از دیدگاه جامعه‌شناختی جورج لوکاس (Georg Lukacs) و لوسین گلدمن (Lucien Goldmann) پرداخت. کلوندی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای، با عنوان «بررسی عناصر اقلیمی در آثار احمد محمود (ملار صفردرجه)»، بازتاب عناصر اقلیم جنوب (خوزستان) در رمان *ملار صفردرجه* را بررسی کرد. حجازی (۱۳۹۸)، در فصل سوم کتاب *تحلیل سبک‌شناسانه رمان‌های برجسته با تکیه بر رمان‌های احمد محمود و محمدرضا بایرامی* به تجزیه و تحلیل سبک‌شناسانه برجسته‌ترین رمان‌های احمد محمود پرداخته است. توکلی مقدم و دیگران (۱۳۹۹) در مقاله‌ای، با عنوان «بررسی و تحلیل زمان روایی در رمان *ملار صفردرجه* براساس نظریه ژنت»، به بررسی عنصر زمان از دیدگاه ژرار ژنت (Gerard Genette) پرداخته‌اند و به عقیده این پژوهش‌گران نویسنده رمان، با حذف بسیاری از زمان‌های تقویمی، حوادث مهم را به تصویر کشیده است. نویسندگان سپس به کارکرد انواع بسامد در این رمان توجه کرده‌اند. پژوهش حاضر از نظر مبانی نظری، موضوع، هدف، و روش تحقیق با پژوهش‌های صورت‌گرفته متفاوت است.

۲. مبانی نظری

۱.۲ آرمان‌شهر رئالیستی (realistic utopia)

تامس مور (Thomas More 1478-1535)، نویسنده انگلیسی، اصطلاح «یوتوپیا»، معادل آرمان‌شهر، را اولین بار در سال ۱۵۱۶ وارد ادبیات کرد که در واقع نام یکی از آثار اوست. «ریشه واژه یوتوپیا از "topos" یونانی به معنای مکان است که نظریه‌پردازان با افزودن او (ou) نفی از آن مفهومی منفی به معنای "هیچستان" ساخته‌اند که کنایه‌ای طنزآمیز از "eu-topos"، «خوبستان»، است» (مور ۱۳۸۷: ۱۶). در فارسی به جای اصطلاحات یوتوپیا و «مدینه فاضله» از «آرمان‌شهر» استفاده می‌شود که از برساخته‌های داریوش آشوری در ترجمه کتاب *یوتوپیاست*. «در تاریخ فلسفه و ادب، از افلاطون به‌عنوان اولین فردی که به‌طور جدی به مسئله آرمان‌شهر پرداخته است، یاد می‌شود» (اصیل ۱۳۸۱: ۱۸). او در کتاب *جمهور ویزگی‌های مدینه فاضله* خود را مواردی هم‌چون نیک بختی، سعادت، عدالت، توان‌گری، و عدم تنگ‌دستی همه مردم جامعه می‌داند (افلاطون ۱۳۵۳: ۱۷۶-۱۷۹). در اندیشه ایرانی - اسلامی، فارابی نخستین متفکری است که با تلفیق نظر اندیشمندان ایران

باستان و فلاسفه یونان هم‌چون افلاطون و ارسطو و آموزه‌های اسلامی به تفصیل مدینه فاضله را تشریح کرد. او نخستین شرط انسان برای رسیدن به سعادت را تشکیل اجتماع و «حکمت» را رکن اساسی ریاست بر مدینه فاضله می‌دانست. فارابی هم‌چنین زیربنای مدینه فاضله و سعادت آن جامعه را امور معنوی، عدالت‌خواهی، پرهیز از همه بدی‌ها، به‌خصوص ظلم، و تبعیت از رئیسی حکیم بیان کرد (فارابی ۱۳۵۸: ۴۱-۵۳).

آنچه قابل توجه است، توجه به تعدد آرمان‌شهرهاست. براساس مطالعات در آثار گذشتگان و متون حکمی، سه نوع آرمان‌شهر قابل ترسیم است: ۱. **آرمان‌شهر الهی** که توسط ۱۲۴ هزار پیامبر در ۱۰۴ کتاب آسمانی تدوین شده است (بنگرید به مجلسی ۱۴۰۳: ج ۱۱، ۳۲). از نمودهای این آرمان‌شهر می‌توان به نگرش سیاسی اسلام اشاره کرد که ماهیتی دینی و آسمانی دارد و «نگاه به عصر مهدویت و تشکیل حکومت آرمانی در آن زمان جلوه‌ای از این آرمان‌شهر محسوب می‌شود» (مطلبی و نادری ۱۳۸۸: ۱۳۱). در *قرآن کریم* آمده است: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ: و اگر مردم شهرها و آبادی‌ها ایمان آورند و تقوا پیشه کنند، قطعاً [درهای] بَرَكَاتِ آسمان و زمین را بر آنان می‌گشاییم» (اعراف: ۹۶). این به‌نوعی اشاره به وعده الهی برای تحقق آرمان‌شهر است؛ ۲. **آرمان‌شهر فلسفی** که براساس اصالت عقل‌گرایی شکل گرفته است و از نمونه‌های بارز آن کتاب *جمهوری افلاطون* است؛ ۳. **آرمان‌شهر رئالیستی** براساس علم تجربی و برم‌محور واقعیت‌ها شکل می‌گیرد. آرمان در این شهر یک آرمان علمی و واقعی است، نه وهمی و خیالی. بنیان این آرمان‌شهر برپایه علم تجربه‌گرایی است و درواقع نوع مدرن آرمان‌شهر محسوب می‌شود. دو نوع اخیر ماهیتی زمینی دارند که برگرفته از تجربه، خرد، و تعقل فلسفی است و بیش‌تر در غرب رایج است. این اشکال و تعدد در ماهیت آرمان‌شهرها به سبب وجود تنوع فرهنگی و مذهبی است که باعث شده است یک آرمان‌شهر مشابه در ذهنیت همه وجود نداشته باشد. در این میان، آرمان‌شهر مورد نظر نگارندگان از نوع رئالیستی است. درابتدا، به رئالیسم می‌پردازیم. واژه «رئالیسم» دراصل نوعی اندیشه فلسفی بود که شیء و موضوع خارج از ذهن را مورد بررسی قرار می‌داد و از آنجا وارد حوزه ادبیات شد (لاج و دیگران ۱۳۸۶: ۱۵؛ گرانت ۱۳۸۷: ۱۵، ۴۶؛ ثروت ۱۳۸۵: ۱۱۳). از نظر واژگان، «رئالیسم از ریشه لغت رس (res) به معنی چیز است و رئالیسم یعنی چیزگرایی یا شیئیت» (ثروت ۱۳۸۵: ۹۷). از حیث ادبی، این اصطلاح عمدتاً با مکتب رئالیست‌های فرانسوی تداعی می‌شود و در معنای عام به هرگونه هنر و ادبیات وفادار به واقعیت اطلاق می‌شود. در معنای خاص،

«مکتبی است که بعد از رمانتیسم با خروج ادبیات اروپا از سنت‌های رمانس، در اواسط قرن نوزدهم، حدود سال‌های ۱۸۳۰، در فرانسه به‌وجود آمد» (Zarnigor 2019: 190). در حوزه مکاتب ادبی، مکتب رئالیسم (=واقع‌گرایی) برخلاف مکتب‌های دیگر، مانند کلاسیسیسم و رمانتیسیسم که به گذشته روی می‌آوردند و از اجتماع کنونی خود غافل بودند، «جنبه‌های آشنا و معمولی زندگی را در واقعیت آن‌ها به‌نمایش می‌گذارد و وقایع را در متن تاریخی آن‌ها مورد مطالعه قرار می‌دهد» (میرصادقی و ذوالقدر ۱۳۷۷: ۲۸۵). آنان هم‌چنین به مسائل عمومی اکثریت مردم می‌پردازند و بیش‌تر به زندگی طبقات متوسط، محروم، و زحمت‌کش توجه دارند (Ambrams 1988: 153-154). از بارزترین نمایندگان واقع‌گرا می‌توان بالزاک، چارلز دیکنز، گوگول، و تولستوی را نام برد که به ترسیم زندگی مردم فرودست جامعه توجه داشتند (سیدحسینی ۱۳۸۹: ج ۱، ۲۹۱، ۲۹۹؛ پرهام ۱۳۵۳: ۶۵-۸۰؛ لوکاچ ۱۳۷۳: ۱۵؛ زرشناس ۱۳۸۹: ج ۲، ۸۳). با این مقدمه، هدف انگاره آرمان‌شهر رئالیستی، هم‌چون مکتب واقع‌گرا، این است که انسان را به‌عنوان موجودی اجتماعی توصیف کند. هم‌چنین، در انتخاب وقایع و پدیده‌ها، خصوصیت‌های کامل و بنیادی آن‌ها را مورد بررسی قرار دهد و از مسائل استثنایی و واقعیت‌های نادر و غیرعادی بپرهیزد. لوکاچ ویژگی‌های یک نویسنده رئالیست را این‌گونه معرفی می‌کند: «یافتن راه عملی برای حل مشکلات مردم و ابراز عشق به آنان، نفرت عمیق او از دشمنان خلق، بیان اشتباهات مردم در آشکارساختن حقیقت و داشتن ایمانی بی‌تردید در پیش‌روی بشریت و مردم سرزمینش به‌سوی آینده بهتر» (لوکاچ ۱۳۷۳: ۲۳). با تعمق در این ویژگی‌ها همین موارد را هم از اصول نویسندگان آرمان‌شهر‌گرای رئالیستی می‌توان دانست. به همین سبب است که برخی صاحب‌نظران «مکتب رئالیسم را به ایدئالیسم و آرمان‌شهر نزدیک می‌دانند» (گران ۱۳۸۷: ۹۴).

با بررسی انواع رئالیسم می‌توان محور اصلی آرمان‌شهر رئالیستی را واقع‌گرایی اجتماعی (Socialist Realism) دانست. رئالیسم سوسیالیستی مکتبی است که در سال ۱۹۳۴ مبنای تمام ادبیات روسیه شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی قرار گرفت. «در این مکتب ادبی هنر در خدمت نوسازی جامعه سوسیالیستی قرار می‌گیرد و بیش‌تر از آن‌که به فرد توجه داشته باشد، به تجلیل از کار و کارهای گروهی روی می‌آورد» (میرصادقی و ذوالقدر ۱۳۷۷: ۲۸۷؛ زرشناس ۱۳۸۹: ج ۲، ۶۹). مختصر این‌که این شاخه بر سه اصل‌گرایش‌های سیاسی و حزبی، دیدگاه‌های ایدئولوژیک، و دیدگاه مردم‌گرایانه استوار است (حاجی‌آقابابایی و محمدی ۱۴۰۰: ۱۳۲).

۲.۲ خلاصه رمان *مدار صفردرجه*

مدار صفردرجه زمانی سه‌جلدی است که در سال ۱۳۷۲ به چاپ رسید. سبک رمان رئالیسم اجتماعی است و روایت‌گر وقایع قبل از انقلاب اسلامی است که از لحاظ محدوده زمانی به صورت مستقیم هفت سال (۱۳۵۰-۱۳۵۷) را در بر می‌گیرد، ولی به صورت غیرمستقیم حوادث سال‌های ۱۳۳۲ به بعد شهر اهواز را هم در بر دارد. شخصیت اصلی این کتاب باران، نوجوانی شانزده‌ساله، است که پس از مرگ پدر و برادرش، درس و مدرسه را رها می‌کند و در پی کسب روزی راهی بازار کار می‌شود. او پس از مشغول شدن در یک مغازه سلمانی با شخصیت‌های مختلفی آشنا می‌شود. سپس، رفته‌رفته با آگاهی بیش‌تر به سمت سیاست و مخالفت با نظام حاکم شاهنشاهی برمی‌خیزد و از طریق دوستان و اطرافیان به فعالیت سیاسی می‌پردازد. در این میان، دو بار توسط ساواک دست‌گیر و راهی زندان می‌شود، اما در بجنوبه انقلاب از زندان فرار می‌کند و به انقلابیون می‌پیوندد.

۳.۲ احمد محمود و آرمان‌شهر رئالیستی

ادبیات اقلیمی شاخه‌ای از ادبیات معاصر است که بیش‌تر در حوزه داستان کاربرد دارد و به مجموعه آثار ادبی اطلاق می‌شود که نمایان‌گر فرهنگ، باورها، آداب و رسوم مردم، و ویژگی‌های محیط طبیعی و بومی یک اقلیم خاص است. در این میان، «مهم‌ترین دستاورد ادبیات اقلیمی حاصل تلاش‌های نویسندگان جنوب است» (میرعابدینی ۱۳۷۷: ج ۲، ۵۶۱). مکتب (داستان‌نویسی) خوزستان^۱ برجسته‌ترین شاخه ادبیات اقلیم جنوب محسوب می‌شود که با توجه به موقعیت جغرافیایی، اقتصادی، و تنوع قومیت‌های مختلف جایگاه خاصی در ادبیات معاصر یافته است. «این مکتب مکتبی برون‌گرا است و برمدار عینیت می‌چرخد. واقعیت را می‌بیند و سعی می‌کند نشان دهد» (سپانلو ۱۳۷۷: ۲۲). یکی از ویژگی‌های ممتاز داستان‌های سبک جنوب، به‌ویژه مکتب خوزستان، توجه به مسائل آرمان‌شهری است. «بسامد توجه به جامعه آرمان‌شهری در ادبیات جنوب بیش از هر اقلیم دیگری است» (شیری ۱۳۸۷: ۲۱۱). سبک احمد محمود از بین انواع رئالیسم به رئالیسم سوسیالیستی نزدیک‌تر است، چراکه این شاخه ظرفیت بهتری برای بیان آرمان‌شهر دارد. «در رئالیسم سوسیالیستی واقعیتی که عرضه می‌شود، در جهت آرمان سیاسی و پی‌ریزی جامعه‌ای سوسیالیستی و بی‌طبقه است. از این رو، بسیار به مرز ایدئالیسم و آرمان‌گرایی نزدیک است»

(خاتمی و تقوی ۱۳۸۵: ۱۰۶-۱۰۷؛ بنگرید به گرانت ۱۳۸۷: ۹۲-۹۴). در حالت روساخت، احمد محمود ابتدا تصویری از ویران‌شهر خود را به‌نمایش می‌گذارد، ولی در پس آن، هدفی جز شکل‌گیری شهری آرمانی ندارد. محمود در واقع فریاد مردم ستم‌دیده اقلیم خوزستان است (بنگرید به دستغیب ۱۳۷۸: ۲۰-۲۱).

به‌لحاظ چگونگی شکل‌گیری آرمان‌شهرها عقیده بر این است که در جوامع، اندیشه آرمان‌شهری بیش‌تر در دوران خیزش‌های انقلابی یا در تحولات تکان‌دهنده سیاسی و اجتماعی نمایان شده است. «کتاب جمهوری افلاطون بر اثر شکست آتن در جنگ‌های پلوپونز و نبردهای بی‌امان طبقاتی آتنی‌ها، به‌ویژه محاکمه و اعدام سقراط، نوشته شده است» (حجازی و قطبی‌نژاد ۱۳۹۴: ۵۷۴). هم‌چنین آرمان‌شهرها بیش‌تر خاص جوامعی هستند که کانون توجه‌اند و در حال تغییر شکل و حکومت‌اند (Davidson 2020: 1070)؛ همان‌گونه‌که احمد محمود در رمان *مدار صفر درجه* با به‌تصویر کشیدن شرحی از رخداد‌های قبل از انقلاب تا بعد از آن در انتقاد از جامعه سعی داشته است و این رخدادها او را به سمت وسوی آرمان‌شهر رئالیستی سوق داد. دیگر این‌که «آرمان‌شهرها به‌طور اتفاقی به‌وجود نمی‌آیند، بلکه در محیط‌های روشن‌فکری ناشی از نخستین تکان‌های نوگرایی پدید می‌آیند» (روویون ۱۳۸۵: ۳۵). با کشف صنعت نفت و ورود غربی‌ها به اقلیم خوزستان، به‌یک‌باره نگرش بومیان منطقه به جهان هستی و زندگی تغییر کرد و نوعی روشن‌گری در آن‌ها به‌وجود آمد. در مقام مقایسه، آرمان‌شهر محمود چیزی شبیه آرمان‌شهر افلاطون است، چراکه امکان تحقق آن وجود دارد (برای آگاهی بیش‌تر، بنگرید به راسل ۱۳۴۰: ۱۰۵). داستان‌های اجتماعی و رئالیستی احمد محمود داستان‌هایی است که اوضاع نابه‌هنجار و نابه‌سامانی‌های جامعه را به‌صورت انتقادی به‌تصویر کشیده است. در واقع، هدف نویسنده از بیان این‌گونه آشفتگی‌ها انگشت‌نهادن بر جنبه‌های زشت و ناپسند است که مسیر زندگی را برای رسیدن به جامعه آرمانی ناممکن می‌سازد. «این داستان‌ها بر نفوذ جامعه و اوضاع اقتصادی شخصیت‌ها و وقایع داستان تأکید می‌ورزند و تأثیر اقتصاد و موقعیت اجتماعی را بر رفتار و سلوک انسان در زمان و مکان معین مورد ارزیابی قرار می‌دهند» (میرصادقی ۱۳۹۴: ۴۹۸). یکی از تفاوت‌های رئالیسم با مکاتب دیگر این است که «اساساً عصر رئالیسم یک عصر انتقادی است» (سیدحسینی ۱۳۸۹: ج ۱، ۱۱۲)؛ عصری است که آگاهی و اندیشه نیروی ذهنی و تخیلی را به‌چالش می‌کشد. از این‌رو، رئالیسم برای محمود عصری است که با سلاح اندیشه و قلم به مقابله با نابرابری‌های زمانه برمی‌خیزد. «محمود پیش‌تاریخی

آرمان‌شهر رئالیستی در رمان *مدار صفردرجه* (الیاس قادری و محمد آهی) ۲۲۳

دارد و از روی داده‌هایی سخن می‌گوید که مردم ما در آن دوره با آن سروکار داشته‌اند» (دستغیب ۱۳۷۳: ۴۰) و در این میان، رمان *مدار صفردرجه* «حرکت و تلاش و روحیه اشخاص را در متن تحولات اجتماعی به پیش‌نما می‌آورد» (همان: ۴۴).

۳. بحث و بررسی

۱.۳ بررسی مؤلفه‌های آرمان‌شهر رئالیستی محمود در رمان *مدار صفردرجه*

در این پژوهش، مؤلفه‌های آرمان‌شهر رئالیستی محمود در رمان *مدار صفردرجه* در پنج دسته طبقه‌بندی می‌شوند و مورد تحلیل قرار می‌گیرند.

۱.۱.۳ اجتماعی

۱.۱.۱.۳ عدم نظام طبقاتی

در این بخش، محمود به مسئله عینی تضاد طبقاتی توجه دارد و خواستار جامعه‌ای هم‌سطح و برابر است، چراکه فاصله طبقاتی در جامعه نظام آرمان‌شهر رئالیستی او را با چالش مواجه می‌کند. در *مدار صفردرجه* تضاد طبقاتی بین خانواده‌ها و مردم شهر به‌وفور دیده می‌شود، به‌نحوی که شهر اهواز به دو قطب غنی و فقیر قابل تقسیم است. مثلاً سطح بالای خانواده مهندس دلاور و برادرش، دکتر داور، و سروان رستم‌علی با سطح پایین خانواده کل‌بشیر، باران، و کل‌فیروز قابل توجه است (محمود ۱۳۷۶: ۱۳۲۵-۱۳۲۶). خانواده‌های این جامعه یا بسیار غنی‌اند یا به نان شب محتاج‌اند.

۲.۱.۱.۳ مساوات

در بین افراد جامعه *مدار صفردرجه* عنصر منفی تبعیض به‌شدت دیده می‌شود و محمود آن را عنصری در جهت اختلال در آرمان‌شهر رئالیستی خود می‌داند، به‌گونه‌ای که تبعیض هم میان طبقات اجتماع وجود دارد و هم در جنسیت افراد مشهود است. به‌کارگماردن افراد غیربومی و کنارگذاشتن بومیان منطقه خوزستان از کار و مسئولیت نوعی تبعیض در سپردن کار و سِمَت است که سبب شد جوانان اهواز غیربومیان را باعث فلاکت خود ببینند و دست به ترور آنان بزنند (محمود ۱۳۷۶: ۳۵۷)؛ فخرفروشی طبقات بالای جامعه به طبقات عامه مانند برخورد کتابیون، دختر مهندس دلاور، با قصاب (همان: ۹۹۷)، تضاد طبقاتی بین شهرنشینان و روستانشینان، و نگاه تحقیرآمیز به روستانشینان (همان: ۸۲۷، ۱۱۱۳).

از عوامل دیگر موردنظر محمود در این مؤلفه توجه به مسئله تبعیض جنسیت افراد به‌ویژه جنسیت فرزندان است؛ مانند نوع نگاه و توجه یارولی به پسرش شاولی و دخترش تماشا (همان: ۱۰۱۲). در جایی از رمان آمده است: «شهر روز گفت: "حالا حتمی پسره که اسمش... نوذر گردن راست کرد: "تو طایفه ما دختر، عیب...» (همان: ۱۵۴۷). جایگاه ضعیف زن و نگاه تبعیض‌آمیز به او در رمان از دیگر عوامل ضدآرمان شهری است؛ مانند برخورد نوذر با بلقیس که هم‌راه خود بردن او به سینما را عار می‌دانست (همان: ۵۱۸)، برخورد دیگرش با بلقیس که مدام به او سرکوفت می‌زد که زن عقلش ناقص است، یا اصرار برای زاییدن فرزند پسر: «بلقیس یک‌هو برگشت، تو اصلاً مون آدم حساب نمکنی، اصلاً...» (همان: ۱۵۳۸).

۳.۱.۱.۳ رعایت حقوق اجتماعی زنان

زن نه‌تنها در رمان *مادر صفر* درجه جایگاه ضعیفی دارد، بلکه در دیگر آثار احمد محمود هم جایگاه درخور توجهی ندارد (آقائی ۱۳۸۳: ۳۳۶؛ احمدی و دارابی ۱۳۹۸: ۳۲۷-۳۲۸). محمود علت جایگاه ضعیف زن در آثارش را مردسالاری جامعه می‌داند (گلستان ۱۳۸۳: ۶۰). این نگرش به جنس زن جامعه را در دست‌یافتن به آرمان‌شهر رئالیستی با مشکل مواجه می‌کند و محمود به این مسئله پی برده است. جامعه زمانی برای او قابل‌پذیرش است که زن از صفات ضدفمینیستی هم‌چون ساده‌لوح، زودباور، ترسو، و سستی‌بودن که در رمان به آن‌ها اشاره شد، به‌دور باشد. نگاه به زن به‌عنوان فردی که باید تمام کارهای خانه را انجام دهد و حق اعتراض هم ندارد، مانند صدازدن‌های دم‌به‌دم بلقیس توسط نوذر برای انجام امور (محمود ۱۳۷۶: ۱۱۹۶-۱۱۹۷)، برخورد نامناسب خانواده کل‌فیروز با دخترشان آراسته (همان: ۱۲۸۱، ۱۴۹۶)، برخورد سرزنش‌کننده اسعد با خواهرش روبخیر که مانند کلفتی در خدمت اوست (همان: ۳۱۱، ۱۲۲۸)، کتک‌خوردن‌های بی‌سبب و مداوم رئیسه از پدرش (همان: ۶۵۵)، رفتار تحقیرآمیز یارولی با همسرش حوری و هم‌چنین دخترانش ماه‌منیر و تماشا (همان: ۱۰۱۲، ۱۴۴۹)، رفتار ناشایست مبارک با همسرش که آن‌ها را در فقر مطلق نگه داشته بود و تمام توجهش به سیاست روز بود (همان: ۹۱۶-۹۱۹) و بی‌حرمتی‌های رستم‌علی به زنان کارگر در کارخانه نساجی (همان: ۶۹۹)، و برخورد ناشایست اسدموتوی با همسرش ماه‌منیر (همان: ۱۳۷۷). براساس همین شواهد، منتقدی معتقد است که در حوزه ادبیات داستانی جنوب، از نظر مظلومیت، صبورانه‌ترین و ترحم‌انگیزترین حالت‌ها از زنان و مادران در آثار محمود به‌نمایش درآمده است (شیری ۱۳۸۷: ۲۱۹).

۴.۱.۱.۳ سلامت اجتماعی

سلامت جسمی و روحی اجتماع جامعه محمود را یک گام به آرمان‌شهر رئالیستی‌اش نزدیک‌تر می‌کند. محمود این مقوله را در رمان *ملا/ر صفر درجه* به صورت مشهود نشان داده است: بچه دارنشدن نوذر و نازایی همسرش بلقیس نوعی مقوله ضد آرمان شهری است که نوذر را به شدت ناراحت می‌کرد (محمود ۱۳۷۶: ۳۳۶-۳۳۷)، بیماری لغوه کل بشیر (همان: ۷۶۳)، بیماری ملاشکبوس (همان: ۱۰۱۷)، و هم‌چنین اعتیاد را نیز می‌توان نوعی بیماری قلمداد کرد؛ مانند اعتیاد یارولی، برزو، عطا، دکتر ناکس، کندرو، مهرباب، اسدموتوی، احمد رطیل، و... (همان: ۱۱۴۰، ۱۱۸۶)، یا اعتیاد نوذر به نوشیدن روزانه مشروبات الکلی (همان: ۱۶۴۱). همه این موارد سلامت جامعه و آرمان‌شهر را به خطر می‌اندازند.

۵.۱.۱.۳ عدم فساد

فساد رفتار قابل مشاهده‌ای است. محمود با تأکید بر فساد آن را ضد آرمان‌شهر خود می‌داند. او خواهان اجتماعی سالم و بری از هرگونه فساد و فاسد است. این مؤلفه در میان افراد به شیوه‌های مختلف دیده می‌شود که سبب آن فقر و بی‌کاری است. یکی از عوامل فساد دزدی است، مانند دزدیده شدن کیف نوذر در بازار (محمود ۱۳۷۶: ۱۴۷)؛ دزدی‌های برزو از خانواده خود و خانه مهندس دلاور (همان: ۶۲-۶۳، ۶۲۵، ۱۱۷۴)؛ دزدیده شدن دو چرخه اوس مبارک و رضابنا (همان: ۱۱۸۹، ۱۶۶۴)؛ سرقت اموال مردم در اوایل انقلاب (همان: ۱۷۴۰)؛ سوءاستفاده از احساسات انقلابیون و اخاذی از آن‌ها، مانند برخورد برزو و ممل تارزان با مردم (همان: ۱۷۷۷)؛ فساد در نیروهای انتظامی و امنیتی و همکاری با فاسدان اجتماعی (همان: ۱۵۵-۱۵۶، ۳۹۴)؛ بی‌نظمی و عدم امنیت در جامعه، مانند حمله به مردم و غارت مغازه‌ها (همان: ۹۱-۹۲)؛ فساد اخلاقی در بین جوانان (همان: ۳۸۸-۳۹۱)؛ قاچاق، فروش، و مصرف مواد مخدر توسط افرادی مانند رزاق، جوادساق‌بلند، و یارولی و همکاری مسئولان و نیروی انتظامی با آنان (همان: ۵۵۸، ۷۴۰)؛ فساد در دربار شاه از طریق *قماربازی* و رشوه‌دادن سرمایه‌داران به افراد سلطنتی، مانند توافق مهندس دلاور با اشرف پهلوی (همان: ۵۵۹، ۱۱۷۵)؛ فساد اخلاقی، مانند رفتار سروان رستم‌علی با دختران و زنان در کارخانه نساجی (همان: ۶۷۷)؛ *پارتی‌بازی* (همان: ۱۱۶۶، ۱۳۷۴). خانواده‌های غنی شهر هواز برای پیش‌بردن کارهای خود اقدام به *پارتی‌بازی* می‌کردند؛ مانند جریان تصادف زینت خانم، همسر مهندس دلاور، که یک نفر را کشت و سروان رستم‌علی را به جای خود به

زندادان فرستاد (همان: ۸۶۸)؛ رشوه خواری (همان: ۷۵۷)؛ پیش‌نهاد رشوه و اخاذی پاس‌بان از باران به خاطر کار کنار شط کارون (همان: ۲۰۶-۲۱۳)؛ درخواست رشوه کارمند مخابرات از یارولی (همان: ۹۰۴)؛ دریافت رشوه از مردم توسط نیروهای امنیتی (همان: ۱۵۰۸)؛ جاسوسی، مانند خبرچینی یارولی برای ساواک (همان: ۱۲۱۵)؛ فرصت‌طلبی و کلاه‌برداری، مانند رفتار شهروز با شرکا (همان: ۱۲۹۳)؛ خیانت، مانند خیانت یارولی به همسرش (همان: ۱۲۱۸-۱۲۱۹).

۲.۱.۳ اقتصادی

۱.۲.۱.۳ رفاه نسبی

محمود خواستار جامعه‌ای با رفاه نسبی و به دور از تنگ‌دستی است. او خود طعم فقر را چشیده است و با انعکاس آن در آثارش، فقر را از عوامل مخل آرمان‌شهر رئالیستی خود می‌داند. فقر مالی، مانند مرگ بابو در کارون توسط کوسه‌ها که برای گذران زندگی به ماهی‌گیری رفته بود (محمود ۱۳۷۶: ۹-۱۱)؛ رهاکردن درس و مدرسه باران به امید کارکردن (همان: ۱۶)؛ جدال اعضای خانواده نوروژ برای تقسیم سهم خانه که ناشی از فقر و تنگ‌دستی بود (همان: ۳۴-۳۵)؛ فقر اقتصادی سبب شد تا دختران خانواده کل بشیر به خاطر اجاره کردن یک اتاق از برزو به کار در کارخانه مجبور شوند و ظلم کارخانه‌دار را تحمل کنند. هم‌چنین، خود کل بشیر با وجود بیماری ای که داشت، مجبور به سیگارفروشی شود (همان: ۶۶-۶۷)؛ بی‌کاری و فقر برهان را، با وجود داشتن مدرک دیپلم، به سمت ترور مسئولان شهر سوق داد و بعد از آن آواره کویت کرد (همان: ۲۱۵)؛ بی‌کاری رزاق سبب شد تا به کار قاچاق روی آورد (همان: ۲۵۵)؛ بی‌کاری و فقر یارولی را مجبور کرد تا مخبر ساواک شود (همان). فقر در این گفت‌وگوی داستان به خوبی دیده می‌شود «... بخونش یارولی. به ناسلامتی مسلمانیم، تکلیف داریم، از قم نومه.» صدای یارولی افتاد، «چی میگی سی خودت کاکاجان. صبح تا شب ثیقد گرفتار یه لقمه نانیم که دیگه فرصتی نمی‌مانه تا ببینم مسلمانم یا کافر» (همان: ۹۶۲).

۲.۲.۱.۳ بهره‌مندی از منابع طبیعی

محمود با مشاهده منابع عظیم نفت و گاز خوزستان توقع دارد این نعمت‌های خدادادی سبب رونق آن‌جا شود و آرمان‌شهر رئالیستی‌اش در سایه این منابع محقق گردد. «در

داستان‌های محمود عوامل طبیعی سازنده فضای داستان هستند و بدون توجه به این عناصر درک محیط داستان دشوار می‌شود» (میرعابدینی ۱۳۷۷: ج ۲، ۵۶۶). نفت و گاز هرچند سرمایه‌ای است که همواره ناجی چندین ساله کشور است، آنچه از این منابع نصیب اقلیم خوزستان شد، بوی ناخوش آیند آن و جنگ و خون‌ریزی‌های حاصل از توجه به آن است که به زیبایی در آثار محمود انعکاس یافته است. «صدای نوذر آمد» کجا رفتی بلقیس؟ علاءالدین روشن کن. «بلقیس شیربرنج را داد به خاور و برگشت تو ایوان همش بلدی دستور بدی؟ خو نفت نداریم!»... صدای نوذر از تو دلان آمد «نفت کجا پیدا میشه!» آمد تو «سه تا شعبه رفتم...» (محمود ۱۳۷۶: ۱۳۱۸-۱۳۲۰). در رمان آمده است: «شیشه‌بر گفت: «حال و روزگار سگ بهتر از حال ما بدبختاس!» و دست‌ها را گرفت روی علائدین» «ننه بچه‌ها از عدل ظهر تا نصف شب تو صف بوده بیست لیتر نفت گیرش ئومده!» (همان: ۱۶۰۶). این موارد نشان‌دهنده فقر مردم و بی‌تأثیر بودن منابع نفتی خوزستان در زندگی آنان است.

۳.۲.۱.۳ حاکمیت مدرنیته

در جای‌جای داستان تقابل سنت و مدرنیته مشاهده می‌شود که خود از عوامل ضد آرمان‌شهری است، اما محمود در اندیشه جامعه‌ای یک‌پارچه و هم‌صداست. او سال‌ها تجربه دیدن انواع تقابل مختلف در خوزستان را به‌درستی در آثارش نشان داده است. می‌توان درگیری احزاب سلطنت‌طلب با طرف‌داران مصدق را از این نوع تقابل‌ها دانست، به‌طوری‌که سلطنت‌طلبان گروه سنتی و طرف‌داران مصدق پیروان مدرنیته محسوب می‌شوند. سرانجام این تقابل به کشته‌شدن طرف‌داران مصدق از جمله فاروق و نوروز منجر شد (محمود ۱۳۷۶: ۱۷۴-۱۷۸). تضاد در رفتار شخصیت‌ها، مانند نوذر که به‌سبب امروزی‌ها شراب‌خواری را از ویژگی‌های مُد روز می‌داند و درمقابل شخصیت بی‌بی سلطنت و کل‌فیروز را، که به عبادت می‌پردازند، رفتاری سنتی قلمداد می‌کند (همان: ۱۸۶-۱۸۷). جای‌گزینی بانک به‌جای خانه صمد صراف اشاره به یک مرحله گذار از سیستم اقتصاد سنتی به اقتصاد مدرن است. هم‌چنین، مصادره روستاها و زمین‌های کشاورزان توسط شرکت کشت‌و صنعت به‌جای کشاورزی سنتی تقابل دیگر سنت و مدرنیته است (آقائی ۱۳۸۳: ۳۱۵؛ شیری ۱۳۸۷: ۱۷۴).

۳.۱.۳ امنیت

۱.۳.۱.۳ عدالت

بارزترین مؤلفه موردنظر محمود برای دستیابی به آرمان‌شهر رئالیستی عدالت است. او عنصر ظلم را مشاهده کرده است و به شدت از آن بیزار است، چراکه می‌داند ظلم مانع تحقق جامعه‌ای عدالت‌محور است. سیاست و به تبع آن مبارزه، اعتراض، زندان، تبعید، ظلم و... بدیهی‌ترین امتیازی است که ادبیات جنوب، به‌ویژه احمد محمود، دارد (شیری ۱۳۸۷: ۲۰۴). در این توضیح، ظلم در دو دسته قابل‌بررسی است: یکی ظلم حکومت به مردم و دیگری ظلم مردم به یک‌دیگر، مانند ظلم یارولی در حق شاگردش باران و ندادن مزد او (محمود ۱۳۷۶: ۳۹، ۱۳۱، ۱۰۷۲-۱۰۷۳)؛ ظلم حکومت به مردم که باعث سرگردان‌شدن برخی از آن‌ها در کشورهای همسایه شد، مانند فراری‌شدن نوروز به کویت (همان: ۲۶۹)؛ زورگویی نیروهای امنیتی و انتظامی به مردم (همان: ۶۹۰)؛ نپرداختن حقوق کارگران شهرداری (همان: ۶۹۱)؛ بی‌حرمتی و تحقیر یک‌دیگر، مانند برخورد یارولی با اسعد (همان: ۸۱۴)؛ ستم به جنس زن به‌ویژه تنبیه هرروزه رئیس‌ه توسط پدرش ابوالحسن گمرک‌چی (همان: ۸۴۸)؛ زورگویی برزو به بقیه اعضای خانواده به‌خاطر مسائل مالی (همان: ۹۲۵-۹۲۶)؛ حمله به کارگران افغانی بدون تحقیق و تفحص (همان: ۱۰۳۴)؛ بی‌تفاوتی پزشک و منشی او به مردی که زنش در مطب آن‌ها به سبب بی‌توجهی از دست رفت (همان: ۱۵۴۹)؛ تملک زمین‌های روستاییان و آواره‌شدن آن‌ها در اهواز، مانند تصاحب زمین‌های کل‌فیروز و کدخدان‌ریمان توسط شرکت کشت‌و صنعت دزفول (همان: ۱۱۵، ۱۱۷)؛ ظلم ثروت‌مندان به دیگران، مانند برخورد مهندس دل‌اور در گرفتن ملک صمد صراف (همان: ۱۵۸۱)؛ ظلم مهندس دل‌اور به برادرش دکتر داور با تصاحب ارث خانوادگی‌شان (همان: ۱۴۳۳)؛ تخریب اموال عمومی در هرج‌ومرج اوایل انقلاب به‌دست عوام‌الناس (همان: ۱۷۴۲، ۱۷۶۸). ستم حکومت شاهنشاهی به مردم از این‌گفت‌وگو در داستان دریافت می‌شود: «خنده از لب نوذر رفت "خود نویس قلابی! مملکت نیست که! همه جا غارت، دزدی! هیچ‌کس نیست به درد مردم برسه!" رو کرد به بلقیس - "از شاه تا وزیر"» (همان: ۱۹۰). یا در جای دیگر، از زبان کندور آمده است:

تو چه‌طور می‌خوای از انسان این مملکت حرف بزنی، اما از زندان و شکنجه و تیرباران حرف بزنی؟ از تنگ‌دستی، تورم، فساد، گرانی، بی‌کاری، ارباب، و ساواک حرف بزنی؟ از درگیری مسلحانه خیابانی، از کشت‌و کشتار، و از تجاوز به زن و فرزند و خانه‌های مردم حرف بزنی؟ (همان: ۳۲۹).

۴.۱.۳ سیاسی

۱.۴.۱.۳ دموکراسی

در قولی از محمود آمده است: «تاریخ سیاسی - اجتماعی این مملکت را که نگاه می‌کنی می‌بینی که سیاست و استبداد به سرنوشت محتوم ما بدل شده است» (گلستان ۱۳۸۳: ۴۴). او با مشاهده رفتار مستبدان در کشورداری و نقش آنان در عقب‌ماندگی کشور به جایگاه حاکمان و سردمداران جامعه در ایجاد آرمان‌شهر پی برده است. در این باره، او به دموکراسی و حکومتی برخاسته از خرد جمعی و مخالف با استبداد معتقد است.

قرن‌هاست که ایران عرصه حاکمان خودکامه است و دوره پهلوی هم از این قاعده مستثنا نیست. دست‌گیری، زندان، شکنجه، سرکوب، اعدام، و... در این مقوله گنجانده می‌شود. «توصیفی که محمود از "زندان" در آثار خود ارائه می‌کند، تا آن اندازه دقیق است که می‌توان گفت توصیفات محمود از این مکان در ادبیات داستانی ما یگانه و منحصر به فرد است» (آقائی ۱۳۸۳: ۳۵۱). دست‌گیری کسبه، مانند دست‌گیری برات‌علی عکاس (محمود ۱۳۷۶: ۵۱)؛ دست‌گیری ۳۲ نفر از دانش‌آموزان در کلاس درس (همان: ۴۰۷-۴۱۸)؛ سرکوب معترضان به دست‌گیری دانش‌آموزان (همان: ۴۲۰)؛ بی‌حرمتی به مردم و خانواده‌ها توسط ساواک و عوامل امنیتی (همان: ۴۷۰-۴۸۲)؛ دست‌گیری نوجوانان، مانند بازداشت باران و شهروز علی‌رغم سن کمشان (همان: ۴۰۲، ۵۳۹)؛ ضرب‌وشتم کارگران شهرداری که برای حق و حقوق خود اعتصاب کرده بودند (همان: ۶۴۸)؛ سرکوب اعتراض مردم به‌خاطر گرانی و وضع اقتصادی و قطع آب و برق آن‌ها (همان: ۶۵۳)؛ زندانی کردن روشن‌فکران، مانند بازداشت عطا و کندرو (همان: ۵۸۳، ۹۰۰)؛ زندانی کردن معترضان توسط حکومت، مانند دست‌گیری افراد بی‌گناهی هم‌چون مبارک خیاط، سیف‌پور، حاج‌آقا عطار، حامد، و... (همان: ۱۵۸۴)؛ اعدام دختران و پسران نوجوان مخالف حکومت توسط ساواک؛ قذغ‌ن کردن مراسم ختم برای آنان و جلوگیری از ملاقات با خانواده‌های آن‌ها، مانند سرنوشت مریم دختر حاج شامرادی و شاپور پسر رحیم سدهی (همان: ۹۷۶، ۱۴۰۹)؛ حکومت نظامی (همان: ۱۵۸۳)؛ مصادره اموال مردم در بانک توسط دولت (همان: ۱۶۰۹)؛ تیراندازی به زندانیان معترض (همان: ۱۶۶۰)؛ کشتار مردم قم (همان: ۱۲۹۹)؛ کشتار مردم در پانزده خرداد ۱۳۴۳ (همان: ۱۵۰۳)؛ شکنجه به‌شیوه وحشت‌ناک در زندان (همان: ۱۳۴۹)؛ کشتن و سرکوب دانشجویان توسط ساواک، مانند کشتن شاپور در کتاب‌خانه دانشگاه اهواز (همان: ۲۹۶-۲۹۹، ۱۳۶۸، ۱۴۰۰)؛ تیرباران جوانان توسط حکومت، مانند تیرباران شیرو

(همان: ۱۲۵۸)؛ کشتار دسته‌جمعی مردم توسط حکومت، مانند آتش‌زدن سینما رکس آبادان (همان: ۱۵۴۵)؛ کشتار مردم در تظاهرات (همان: ۱۷۲۹).

۲.۴.۱.۳ حاکمیت صلح در جامعه

نویسندهٔ رمان *مدار صفردرجه* توجه خاصی به صلح و آرامش در جامعه دارد تا مردم در پناه آن با فراغ‌بال زندگی کنند. درحقیقت، آرمان‌شهر واقع‌گرا بدون صلح و آرامش بی‌معنی است. محمود، در جایگاه منتقد، قیام و مبارزه را مواردی می‌داند که مانع تحقق این امر می‌شوند؛ مانند اعتصاب و ناخشنودی مدام کارگران شهرداری و شرکت‌های دیگر به‌خاطر فقر و مسائل اقتصادی (محمود ۱۳۷۶: ۱۲۷-۱۲۸، ۶۲۰)؛ تظاهرات مردم اهواز (همان: ۱۳۰۰، ۱۵۲۷)؛ قیام و تظاهرات در شهرهای دیگر (همان: ۱۷۱۳-۱۷۱۶)؛ مبارزهٔ مردم با حکومت، مانند مبارزهٔ نوروز با همکاری همسرش خاور (همان: ۱۱۹۶-۱۱۹۷)؛ اعتصاب هاستل، مدرسهٔ شبانه‌روزی آبادان، و تظاهرات سال ۱۳۳۲ (همان: ۱۲۰۵)؛ قیام مردم قم (همان: ۱۲۹۹)؛ تظاهرات مردم آبادان به‌خاطر کشتار مردم قم (همان).

۳.۴.۱.۳ نبود حاکمیت خارجی

از آن‌جاکه محمود جنوبی است و خوزستان مرکز استعمار در ایران بوده، از نزدیک طعم تلخ وجود استعمار را حس کرده است. او خواهان اخراج استعمارگران از کشور است و بر توانایی‌های حکومت دموکراسی داخلی تأکید دارد. بنابراین، او آرمان‌شهر رئالیستی خود را در گرو حکومتی داخلی و برخاسته از خرد جمعی و به‌دور از نفوذ استعمار می‌داند. «جنوب همواره دروازهٔ بیگانگان و استعمارگران به ایران بوده است. یکی از دغدغه‌های احمد محمود، بزرگ‌ترین نویسندهٔ اقلیمی جنوب، حضور بیگانگان و استعمارگران در این ناحیه است که او را وادار به اعتراض و عکس‌العمل می‌کند» (شیری ۱۳۸۷: ۱۷۳). عامل استعمار در بیش‌تر داستان‌های احمد محمود، به‌ویژه *مدار صفردرجه*، همان بریتانیاست (احمدی و دارابی ۱۳۹۸: ۳۱۸). محمود سبب آن‌همه نابه‌سامانی اوضاع خوزستان و کشور را حاصل سیاست‌های منفعت‌طلبانهٔ استعمار انگلیس و نفوذ آنان می‌داند. مهاجرت کل‌فیروز از دزفول به اهواز و تصرف زمین‌های او توسط شرکت کشت‌و‌صنعت بیان‌گر مهاجرتی اجباری است که استعمار جدید به روستاییان ایران تحمیل کرده است (آقائی ۱۳۸۳: ۲۴۹). «تقصیر انگلیس هست» (محمود ۱۳۷۶: ۲۷، ۴۱-۴۲، و...)، جمله‌ای

معروف و تکراری از نوذر در رمان که نشان‌دهنده نقش زیاد استعمارگری این کشور در ایران است. غارت منابع زیرزمینی ایران طی چند دهه گذشته توسط انگلیس بر کسی پوشیده نیست. البته شوروی و آمریکا نیز از کشورهای استعمارگر مورد نظر محمودند که مردم از آن‌ها نفرت دارند.

۵.۱.۳ فرهنگی

۱.۵.۱.۳ جامعه علمی و منطقی

محمود طبق بینش روشن و آگاه خود به جامعه‌ای برپایه علم و منطق معتقد است، چراکه باور دارد جامعه آرمان‌شهر رئالیستی فقط برپایه علم و حقیقت شکل می‌گیرد. بر همین اساس، برای نشان‌دادن خرافات، دیدگاه‌های سنتی، و عوامل نامعقول از زبان طنز و کنایه استفاده می‌کند. خرافات و باورهای عامیانه جزء لاینفک زندگی در اقلیم‌های سنتی و قومی - قبیله‌ای و از ویژگی‌های بارز داستان‌های جنوب است (شیری ۱۳۸۷: ۲۰۱). محمود به‌طور ضمنی خرافات را مایه استحمار، بردگی، فلاکت، و بدبختی می‌داند (احمدی و دارابی ۱۳۹۸: ۳۱۹). از جمله خرافات، اعتقاد به دعانویسی و حرز است، مانند دعانویسی ملااشکیبوس برای بچه دارشدن بلقیس (محمود ۱۳۷۶: ۸۵)؛ تقاضای ملااشکیبوس از خاور به این منظور که برای آزادی باران از زندان باید دعا نوشت (همان: ۵۵۶)؛ عقیده به تعویذ و قضا و قدر در جهت پیش‌بردن کارها (همان: ۷۷۹)؛ دیدگاه سنتی مردم راجع به بچه‌دارنشدن نوذر و کوربودن اجاق خانواده او (همان: ۹۱-۹۲)؛ توجه به باورهای سنتی در مورد عقد پسرعمو و دخترعمو که در آسمان‌ها بسته شده است و اصرار به باران و آراسته در جهت انجام چنین ازدواجی (همان: ۸۶۸)؛ عقیده به رمال و پیش‌گو، مانند مراجعه شادیه و نوذر به میرعبده‌شاه برای یافتن شهاب که مدتی ناپدید شده بود (همان: ۹۲۴)؛ عقیده سنتی خانواده‌ها به عدم ازدواج مجدد افراد مسن، مانند مخالفت دختر دوشنبه با ازدواج او بعد از مرگ مادرش (همان: ۱۱۲۴)؛ داشتن عقاید خرافاتی، مثلاً بلقیس باور داشت ماهی بوش‌لمبو شگون ندارد و سبب زندانی‌شدن باران شد (همان: ۱۳۹۱) یا عقیده خاور به بدیمن‌بودن جوجه‌های کل فیروز (همان: ۱۳۹۳).

۲.۵.۱.۳ حاکمیت صداقت

به عقیده محمود، عملکرد صادقانه مردم و مسئولان در یک جامعه آن‌ها را هرچه بیش‌تر به آرمان‌شهر نزدیک می‌کند. او این رفتار را هم در زندگی شخصی تجربه کرده و هم

به صورت ملموس در آثارش منعکس کرده است. عمدتاً، فریب از جمله مواردی است که در اقلیم های فقیر رواج دارد، مانند دروغ های شیرین و اغراق آمیز نوذر برای خودنمایی (محمود ۱۳۷۶: ۱۸۸)؛ حقه بازی برزو برای تصرف ملک پدری (همان: ۶۷۶-۶۸۶)؛ سوءاستفاده مبارک از دوستش صدرا و تقاضای ماهیانه پول از او (همان: ۵۱۱-۵۱۲، ۱۰۲۱)؛ عدم تطابق حرف و عمل شخصیت ها، مانند رفتار و عمل کرد ملاشکبوس با دیگران (همان: ۷۹۵)؛ نیرنگ های میرعبده شاه در پیش گویی (همان: ۹۵۰-۹۵۲)؛ برخورد فریب کارانه شهروز با جیمی در شراکت کاری (همان: ۱۰۵۹)؛ نیرنگ مهندس دلاور در حق صمد صراف و گرفتن ملک او (همان: ۱۲۶۱)؛ نیرنگ حاکمان و مسئولان در جریان آتش زدن سینما رکس آبادان و اسیدپاشیدن به صورت زنان تا این حرکات را به گردن مذهبیان بیندازند و ذهن مردم را منحرف کنند (همان: ۱۵۵۶-۱۵۱۹).

۳.۵.۱.۳ نبود فقر فرهنگی

مسئله دیگری که از نظر محمود پنهان نمانده است، سطح فرهنگی جامعه است. او، با مشاهده ضعف های فرهنگی در اجتماع اهواز، در پی ساختار جامعه ای آرمانی به دور از مسائل فقر فرهنگی است. مثلاً، اکثر شخصیت های رمان به سیگار و مواد مخدر اعتیاد دارند. همچنین، اسم گذاشتن روی یک دیگر از روی نقص و غرض از مقولات فقر فرهنگی محسوب می شود، مانند برات علی تک لایت (به خاطر نابینا بودن از ناحیه یکی از چشمانش)؛ صدازدن اوسا یارولی به اوسا چسکی توسط نبی (محمود ۱۳۷۶: ۱۱۳۴)؛ اسعدگردن شق (همان: ۱۲۲۷)؛ جلال پاکوتاه (همان: ۱۲۴۲)؛ زری خال دار، افراسیاه، عشقی کچل، عبدی توره (همان: ۱۱۸۳)؛ شهین زاغی (همان: ۱۲۲۹)؛ لطفی دماغ (همان: ۱۲۹۶)؛ نبی بی حال (همان: ۱۳۳۴)؛ حسن زاغی (همان: ۱۵۰۵)؛ جهان بی مخ و سلمان سیاه (همان: ۱۳۹۹). در پایان، حاصل بحث و بررسی را می توان در جدول ۱ نشان داد.

جدول ۱. مؤلفه های اصلی و فرعی رمان مدار صفر درجه

فرهنگی	سیاسی	امنیتی	اقتصادی	اجتماعی	مؤلفه های اصلی
جامعه علمی و منطقی؛ حاکمیت صداقت؛ نبود فقر فرهنگی.	دموکراسی؛ حاکمیت صلح در جامعه؛ نبود حاکمیت خارجی.	عدالت	رفاه نسبی؛ بهره مندی از منابع طبیعی؛ حاکمیت مدرنیته.	عدم نظام طبقاتی؛ مساوات؛ رعایت حقوق اجتماعی زنان؛ سلامت اجتماعی؛ عدم فساد.	مؤلفه های فرعی

۴. نتیجه‌گیری

نگاه آرمانی به زندگی حاصل کمال‌طلبی و بازگشت به بهشتی است که در آن هیچ‌گونه رنج و سختی نباشد. بر این اساس، سه نوع آرمان‌شهر قابل‌تصور است: ۱. آرمان‌شهر الهی که مبنای آن تعالیم انبیا و هدف آن رسیدن به قرب الهی است، ۲. آرمان‌شهر فلسفی که مبنای آن عقل‌گرایی و هدف آن رسیدن به جامعه عقلانی است، ۳. آرمان‌شهر رئالیستی که مبنای آن فلسفه تجربی و هدف آن حاکمیت علمی است. در این نگاه، انگیزه آرمان‌شهری از سبکی ایدئال‌حالتی واقع‌گرایانه به خود می‌گیرد. احمد محمود از نویسندگانی است که به این آرمان‌شهر توجه می‌کند و آن را برای بشر قابل‌دست‌رس می‌داند. او در آثارش با دیدی انتقادی به جامعه خود می‌نگرد و در پس این نقد به دنبال شکل‌گیری جامعه‌ای آرمانی است. در حقیقت، او در آثارش، به‌ویژه در رمان *مدار صفر درجه*، به دنبال جامعه‌ای است که در آن هیچ‌گونه مقوله ناپسندی هم‌چون ظلم، پلیدی، جنگ، خون‌ریزی، و خشونت وجود نداشته باشد. بر این اساس، آرمان‌شهری واقع‌گرایانه می‌خواهد که ویژگی‌های منحصر به خود داشته باشد. این ویژگی‌ها را به ترتیب اولویت و تأثیر در ساختار آرمان‌شهر محمود می‌توان در پنج عنوان کلی تقسیم‌بندی کرد: ۱. اجتماعی: محمود در این طبقه به مسائل مشهود عدم نظام طبقاتی، مساوات، رعایت حقوق اجتماعی زنان، سلامت اجتماعی، و عدم فساد توجه کرده است؛ ۲. اقتصادی: در این بخش به مسائلی هم‌چون رفاه نسبی جامعه، بهره‌مندی همه از منابع طبیعی، و حاکمیت مدرنیته توجه دارد؛ ۳. امنیتی: در این بخش مهم‌ترین مؤلفه آرمان‌شهر رئالیستی محمود، یعنی وجود عنصر عدالت در جامعه، جای گرفته است؛ ۴. سیاسی: در این طبقه، عناصری مانند دموکراسی، حاکمیت صلح در جامعه، و نبود حاکمیت خارجی مورد توجه آرمان‌شهر محمود است؛ ۵. فرهنگی: در این طبقه احمد محمود به جامعه‌ای بر پایه علم و منطق، حاکمیت صداقت، و نبود فقر فرهنگی می‌پردازد. در حقیقت، با توجه به این نوع آرمان‌شهر، می‌توان نتیجه گرفت که دنیای آرمان‌شهری محمود دنیایی وهمی، تخیلی، یا آرمان‌شهری که دور از دست‌رس باشد نیست، بلکه بشر می‌تواند با کاربست اندیشه و به‌کارگیری علم تجربی به آرمان‌شهر رئالیستی که خواسته و آرزوی همه انسان‌هاست، دست یابد.

پی‌نوشت

۱. این اصطلاح در داستان‌نویسی از بر ساخته‌های محمدعلی سپانلو است (بنگرید به سپانلو ۱۳۵۸).

کتابنامه

قرآن کریم.

آقائی، احمد (۱۳۸۳)، *بیداردلان در آینه؛ معرفی و نقد آثار احمد محمود*، تهران: بهنگار احمدی، علی اکبر و سهیلا دارابی (۱۳۹۸)، «بررسی تطبیقی اندیشه پسااستعماری در رمان *ذاکره الجسد* احلام مستغانمی و همسایه‌ها احمد محمود»، *پژوهش ادبیات معاصر جهان*، دوره ۲۴، ش ۲.

اصیل، حجت‌الله (۱۳۸۱)، *آرمان‌شهر در اندیشه ایرانی*، تهران: نی. افلاطون (۱۳۵۳)، *جمهوری*، ترجمه محمدحسن لطفی، تهران: خوشه. الیاده، میرچا (۱۳۸۲)، *اسطوره، رؤیا، راز*، ترجمه رؤیا منجم، تهران: علم. پرهام، سیروس (۱۳۵۳)، *رنالیسم و ضدرنالیسم در ادبیات*، تهران: نیل. پویان، مجید (۱۳۸۹)، «بررسی جایگاه زنان در داستان‌های کوتاه احمد محمود»، *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، دوره ۸، ش ۳، پیاپی ۲۵.

توکلی مقدم، صفیه و دیگران (۱۳۹۹)، «بررسی و تحلیل زمان روایی در رمان *مدار صفردرجه* براساس نظریه ژنت»، *متن‌پژوهی ادبی*، دوره ۲۴، پیاپی ۸۶. ثروت، منصور (۱۳۸۵)، *آشنایی با مکتب‌های ادبی*، تهران: سخن. حاجی آقابابایی، محمدرضا و غزاله محمدی (۱۴۰۰)، «بررسی گونه و محتوای داستان‌های سوسیالیستی در نشریات حزب توده ایران»، *ادبیات پارسی معاصر*، س ۱۱، ش ۲. حجازی، بهجت‌السادات (۱۳۹۸)، *تحلیل سبک‌شناسانه رمان‌های برجسته با تکیه بر رمان‌های احمد محمود و محمدرضا بایرامی*، تهران: سوره مهر.

حجازی، بهجت‌السادات و حکیمه قطبی نژاد (۱۳۹۴)، «آرمان‌شهر در رمان بیوتن رضا امیرخانی»، در: *مجموعه مقالات دهمین همایش بین‌المللی ترویج زبان و ادبیات فارسی*.

حدادی، الهام و دیگران (۱۳۹۱)، «کردار گفتمانی و اجتماعی در رمان *مدار صفردرجه* برپایه الگوی تحلیل گفتمان فرکلاف»، *نقد ادبی*، س ۵، پیاپی ۱۸.

حیدری، محمود و صمیه زارع (۱۳۹۲)، «آرمان‌شهر در اندیشه فروغ فرخزاد و نازک‌الملاتکه»، *نشریه ادبیات تطبیقی*، س ۴، ش ۸.

خاتمی، احمد و علی تقوی (۱۳۸۵)، «مبانی و ساختار رنالیسم در ادبیات داستانی»، *پژوهش زبان و ادبیات فارسی*، ش ۶.

دستغیب، عبدالعلی (۱۳۷۳)، «*مدار صفردرجه*»، *ادبیات داستانی*، پیاپی ۲۰.

دستغیب، عبدالعلی (۱۳۷۸)، *نقد آثار احمد محمود*، تهران: معین.

آرمان‌شهر رئالیستی در رمان *مدار صفر درجه* (الیاس قادری و محمد آهی) ۲۳۵

- راسل، برتراند (۱۳۴۰)، *تاریخ فلسفه غرب*، ترجمه نجف دریابندری، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- رحیمی، رضا (۱۳۹۲)، *نقد جامعه‌شناختی رمان مدار صفر درجه*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، اردبیل: دانشگاه محقق اردبیلی.
- روویون، فردریک (۱۳۸۵)، *آرمان‌شهر در تاریخ اندیشه غرب*، ترجمه عباس باقری، تهران: نی.
- زرشناس، شهریار (۱۳۸۸)، *جستارهایی در ادبیات داستانی معاصر*، تهران: کانون اندیشه جوان.
- زرشناس، شهریار (۱۳۸۹)، *پیش‌درآمدی بر رویکردها و مکتب‌های ادبی*، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- سپانلو، محمدعلی (۱۳۵۸)، «گزارش یک‌ساله داستان‌نویسی ایران»، *مجله اندیشه آزاد*، ش ۱.
- سپانلو، محمدعلی (۱۳۷۷)، *در جست‌وجوی واقعیت*، تهران: نگاه.
- سیدحسینی، رضا (۱۳۸۹)، *مکتب‌های ادبی*، تهران: نگاه.
- شیری، قهرمان (۱۳۸۷)، *مکتب‌های داستان‌نویسی در ایران*، تهران: چشمه.
- صادقی، اسماعیل و دیگران (۱۳۹۳)، «بررسی نوستالژی آرمان‌شهر در اشعار شاعران معاصر»، *پژوهش‌نامه ادب غنایی*، س ۱۲، پیاپی ۲۲.
- فارابی، ابونصر محمد (۱۳۵۸)، *سیاست‌نامه*، ترجمه سیدجعفر سجادی، تهران: انجمن فلسفه ایران.
- قاسم‌زاده، محمد (۱۳۸۳)، *داستان‌نویسان معاصر ایران*، تهران: هیرمند.
- کریمی مطهر، جان‌الله و مجید رضایی (۱۳۹۳)، «آرمان‌شهر در رمان *ما*، اثر یوگنی زامیاتین»، *پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*، دوره ۱۴، ش ۳، پیاپی ۳۲.
- کریمی، فاطمه و محمد طاهری (۱۳۹۷)، «بررسی تطبیقی اندیشه‌های آرمان‌شهر در اشعار نیما یوشیج و والٹ ویتمن»، *پژوهش ادبیات معاصر جهان*، دوره ۲۳، ش ۲.
- کلوندی، پریسا (۱۳۹۷)، «بررسی عناصر اقلیمی در آثار احمد محمود (*مدار صفر درجه*)»، تهران: *در: مجموعه مقالات اولین کنفرانس تحقیقات بنیادین در مطالعات زبان و ادبیات*.
- گرانت، دیمیان (۱۳۸۷)، *رئالیسم*، ترجمه حسن افشار، تهران: مرکز.
- گلستان، لیلی (۱۳۸۳)، *حکایت حال: گفت‌وگو با احمد محمود*، تهران: معین.
- لاج، دیوید و دیگران (۱۳۸۶)، *نظریه‌های رمان*، ترجمه حسین پاینده، تهران: نیلوفر.
- لوکاج، گئورگ (۱۳۷۳)، *پژوهشی در رئالیسم اروپایی*، ترجمه اکبر افسری، تهران: علمی و فرهنگی.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ ق)، *بحارالانوار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- محمود، احمد (۱۳۷۶)، *مدار صفر درجه*، تهران: معین.

- مشتی، فهیمه (۱۳۹۰)، بررسی و تحلیل عنصر شخصیت در *رمان مدار صفر درجه احمد محمود*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، تهران: دانشگاه پیام نور استان تهران.
- مطلبی، مسعود و محمدمهدی نادری (۱۳۸۸)، «بررسی تطبیقی مفهوم آرمان‌شهر در اندیشه سیاسی اسلام، ایران و غرب»، *مطالعات سیاسی*، دوره ۲، ش ۶.
- مور، تامس (۱۳۸۷)، *آرمان‌شهر (یوتوپیا)*، ترجمه داریوش آشوری و نادر افشار نادری، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
- میرصادقی، جمال (۱۳۹۴)، *ادبیات داستانی*، تهران: سخن.
- میرصادقی، جمال و میمنت میرصادقی (ذوالقدر) (۱۳۷۷)، *واژه‌نامه ادبیات داستانی*، تهران: کتاب مهناز.
- میرعابدینی، حسن (۱۳۷۷)، *صد سال داستان‌نویسی در ایران*، تهران: چشمه.
- نعمتی، فاروق (۱۳۹۱)، «در جست‌وجوی ناکجاآباد؛ بررسی تطبیقی آرمان‌شهر در شعر جبران خلیل جبران و سهراب سپهری»، *زبان و ادبیات فارسی*، دوره ۴، ش ۱۲.

- Ambrams, M. H. (1988), *A Glossary of Literary Terms*, San Francisco: Holt, Rinehart and Winston.
- Anthony, C. (2017), "The Idea of a Realistic Utopia", *Dissertation PhD*, University of Pennsylvania, Supervisor of Dissertation: Kok-Chor Tan.
- Davidson, J. P. (2021), "Looking Laterally: The Literary Utopia and the Task of Critical Social Theory", *Current Sociology*, vol. 69, no. 7.
- Zarnigor, S. (2019), "The Realistic Genre and Its Development in World Literature", *International Journal of Recent Technology and Engineering (IJRTE)*, vol. 8.